در بیست‌وهشتمین نشست خانه گفت‌وگو چه گذشت؟

آزاداندیشی استادان درباره خیزش جدید علمی

بیست وهشتمین نشست از سلسله نشست‌های «دانشگاه؛ خانه گفت‌وگو» با موضوع «هم‌اندیشی پیرامون خیزش جدید علمی» هفته گذشته با حضور جمعی از اعضای هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی به‌صورت حضوری و مجازی برگزار شد و اساتید دانشگاه به ارائه دیدگاه‌های خود در این زمینه پرداختند. «فرهیختگان» بخش‌هایی از این نشست را در ادامه منتشر می‌کند.

فضای پرسشگری باید بازشود

محمد شریفانی، مسئول نهاد نمایندگی مقام‌معظم‌رهبری دانشگاه آزاد:

به دنبال فرمایش مقام‌معظم‌رهبری پیرامون خیزش جدید علمی و دستور رسیدن محترم دانشگاه جلسه‌ای با اساتید دانشگاه داشتیم و حاصل آن گفت‌وگوها ۱۶ نکته شد که در اختیار دوستان قرار خواهم داد. پس از جلسه، از هوش مصنوعی در این موضوع سؤال کردیم که پیش از ۲۰-۳۰ نکته را بیان کرد. راه خیزش علمی جدید آشنایی با این دنیای جدید است. چند مورد را بخوانم: توجیح فرهنگ پرسشگری و کنجکاوی، تسهیل همکاری بین‌رشته‌ای، توسعه فناوری علمی، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، ترویج فرهنگ کارآفرینی، ارتباط مؤثر با جامعه، ترویج علم در رسانه‌ها، برگزاری رویدادهای علمی مردمی، حمایت از رسانه‌های اصلی، توجه به چالش‌های جهانی، مقابله با تغییرات اقلیمی، توسعه فناوری‌های پزشکی، حل مسائل اجتماعی، دریافت می‌گوید برای ایجاد یک خیزش علمی پایدار نیازمند سیاست‌گذارانی هستیم که به اهمیت علم و فناوری آگاه باشند و از آن حمایت کنند. دانشگاه‌ها به عنوان موتور محرک نوآوری عمل کنند. صنعت به دنبال همکاری با دانشگاه و مراکز تحقیقاتی باشد و جامعه به علم و فناوری اعتماد داشته باشد و از آن حمایت کند.

خیلی خلاصه باب دیگری را باز می‌کنم. شما داستان عنوان بصری را شنیدید. پیرمردی ۹۴ سال بود که در شالوده مالکی برائس پیشوای مذهب مالکی را کردم بود. این فرد نزد امام صادق(ع) رفت و گفت می‌خواهم از شما چیزی بیاموزم. امام نیز به او فرمودند، هم من تحت نظر حکومت هستم و هم اوقاتی برای ذکر و... دارم. مزاحم من نشو، او به کنار قبر پیامبر رفت، دو رکعت نماز خواند. به پیامبر متوسل شد و از ایشان خواست تا کاری کند دل اما مام قبلی نسبت به او نرم شود. می‌خواهم بگویم این روند شاگردی و استادی دور غفلت قرار گرفته و کسی توجه چندانی به آن نمی‌کند. دوباره خود را به حضرت خدای رساند. حضرت به او فرمودند: «فَقَالَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَیْسَ الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ، إِنَّمَا هُوَ نُورٌ یَقَعُ فِی قَلْبِ مَنْ یُرِیدُ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی أَنْ یَنْدِیهِ؛ حقیقت علم نور است که خداوند این نور را در قلب کسانی که می‌خواهد هدایت شوند قرار می‌دهد. بعد به او فرمودند: «إِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوَّلاً مِنْ نَفْسِکَ حَقِیقَةَ الْعُبُودِیَةِ وَ اطْلُبِ الْعِلْمَ باسْتِعْمَالِهِ وَ اسْتَفْهِمِ اللَّهَ یُفْهِمْکَ؛ اگر می‌خواهی به علم و به حرف جدیدی برسی، بر بندگی خدا کن. حقیقت بندگی را درک کن. هم ملاصدرای شیرازی و هم بانوی امین اصفهانی کتاب‌هایی تحت عنوان الهامات قلبیه دارند. شهید طهرانی‌مقدم در جایی گفته بود کشف جدیدی که کردم از راه توسل به امام رضا(ع) بود. بزرگان ما که در مسائل علمی به مشکل برخورد می‌کردند به خدای متعال متوسل می‌شوند. اخلاق و معنویت جایش در دانشگاه خالی است. شاید اگر این باب باز بشود، خیزش جدیدی یا فهم جدیدی اتفاق بیفتد.

امام به سه مسئله اشاره دارد که عبارت است از: اول بنده خود «فَاطْلُبْ أَوَّلاً مِنْ نَفْسِکَ حَقِیقَةَ الْعُبُودِیَةِ»، روی خودت کار کن! بحث تربیت و تهذیب. دوم «اطْلُبِ الْعِلْمَ باسْتِعْمَالِهِ»، علم را به کار ببینادر: هم هوش مصنوعی و هم اساتید گفتند دانشگاه و جامعه به کاردان ماهر احتیاج دارند نه به دکتر و مهندس کم‌تجربه. هر علمی که در میدان کار از علم نظر به علم عمل کشیده شود، این علم مؤثر است. سومین نکته «اسْتَفْهِمِ اللَّهَ»؛ از خدا طلب فهم کن، «یُفْهِمْکَ اللَّهُ»، خدا خیلی چیزها را به تو می‌فهماند. این حدیث طولانی را بسیاری از بزرگان به عنوان دستورالعمل اخلاقی به شاگردان خود توصیه می‌کردند. آخر حدیث حضرت بصری را به ۹ مورد نصیحت می‌کنند و توصیه می‌کنند این حدیث برای کسانی است که می‌خواهند در مسیر خدا قرار بگیرند. «لِمُرِیدِ الطَّرِیقِ إِلَی اللَّهِ»، از آن ۹ نصیحت، نصیحت در حوزه ریاضت، سه مورد دیگر در حوزه حلم و سه مورد آخر در بحث علم است. در حوزه ریاضت به این موضوع اشاره دارند هر چیزی که دلت می‌خواهد نخور! جلوی شکمت را بگیر! بزرگان اینجور می‌گفتند که بعضا جلوی فهم آدم گرفته می‌شود، به خاطر چیزهایی است که می‌خورد. دوم تا گرسنه شدی نخور و سوم نان حلال بخور. چند آیه در قرآن داریم که «مِنَ الطَّیِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا»؛ تا نان پاک نخوری به عمل صالح نمی‌رسی. بعد حضرت می‌فرمایند حرام خواری چقدر بر فکر تاثیر می‌گذارد. تربیت نفس و توصیه به این نکته که از دعا و نصیحت فاصله نگیر در حوزه حلم مطرح می‌شود. آن سه نکته‌ای که در حوزه علم است: «فَاسْأَلِ الْعُلَمَاءَ مَا جَهِلْتَ»، باب پرسشگری را باز کن و سوال کن. فضای پرسشگری باید باز شود! سوال نمی‌کنیم که افراد را در تله بیندازیم سوال می‌کنیم تا متوجه شویم. دوم از خود رای دست بردار، «إِیَّاکَ أَنْ تَعْمَلَ بِرَأْیِکَ»، به قول اموزی‌ها اگر به نظریه‌ای رسیده‌ای از خودت خوری نزن. به قول امام از قدوا دادن پرهیز کن. فرمودند همان‌طور که از گرگ فرار می‌کنی از فتوا نیز فرار کن. این خلاصه فرمایش امام صادق(ع) به عنوان بصری بود.

خیزش جدید علمی باید ازوجود استاد آغازشود

معصومه رشاد، عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد واحد رودهن:

در موضوع خیزش جدید علمی کشور، مخاطبان ما هم دانش‌پژوهان و دانشجویان هستند و هم اساتید و صاحبان فن و مسئولان. یک مفهوم بسیار انتزاعی در قالب موارد خاص. وقتی به خیزش علمی اشاره می‌کنیم از رتبه دانشگاهی، رتبه اساتید، از درک معلومات و حسنیات یک استاد دانشگاه صحبت می‌کنیم که بر سر کلاس حضور دارد. خیزش جدید علمی ابتدا از وجود خود استاد باید آغاز شود. زمانی که ساختارهای معناسازی و ساختارهای بین‌اذهانی مشترک را از این خیزش جدید علمی در مجامع علمی سراغ می‌گیریم تحمیا باید به روز و نو باشیم. هوش مصنوعی یک بحث جدید است ولی اساتید کمتر به این بحث توجه و کمتر این خیزش را ایجاد می‌کنند که آن را فراگیرند و از آن استفاده کنند. چرا؟ چون استاد دانشگاه علاوه‌بر مسائل تدریس، دغدغه‌های دیگری نیز دارد. یک‌سری دغدغه‌های مالی برای استاد وجود دارد یا برخی دیگر دغدغه‌ها و مسئولیت اجرایی دارند. این خیزش را از وجود خود استاد شروع کنیم. معنا گرفتن ساختارهای بین‌اذهانی را از خیزش شروع کنیم و در کنار اساتید دانشگاه دانش‌پژوهان و مسئولان کشور باید این خیزش جدید علمی را معنا کنند. باید زیرساخت‌های ساختارهای هویتی تکوینی را مشخص کنیم و ببینیم آیا بحث خیزش علمی به معنا خاص است یا عام؟ اگر در بحث خاص است چه بعدهایی دارد؟ مراکز علمی که وابسته به آنها هستیم این خیزش را برای ما چگونه معنا می‌کنند؟ دوره‌های آموزشی، دوره‌های ضمن‌خدمت، دوره‌های ضیافت، آیا این دوره‌ها معناهای ساختارهای بین‌اذهانی بین اساتید ایجاد می‌کند؟ این خیزش را تبدیل به گفتمان کنیم. اگر خیزش بوده، این خیزش جدید چه معنایی دارد؟ و اگر در گذشته بوده معنای جدید آن چیست؟ ابتدا از اساتید شروع کنیم و بعد در سطح مسئولان اجرایی کشور این خیزش باید معنی شود. امروز وظیفه ما اساتید خطیر شده و ما مورد سؤال قرار می‌گیریم. دانشجویان ما در فضای مجازی و به‌روزند. اگر به روز نباشیم مطمئنا جایگاه علمی و رسته‌ای که مقام‌معظم‌رهبری و مراجع علمی آن را عنوان می‌کنند، نخواهیم داشت.

باید تعریف مشخصی ازخیزش داشته باشیم

بوذرجمهری، عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد:

باید آسیب‌شناسی کنیم، وقتی رهبری صحبتی را دارند در جهت آن باید آسیب‌شناسی کنیم که تعداد مقاله، تعداد مقاله دانشجویان و تعداد مراکز آموزشی را ملاک قرار می‌دهیم؟ چه کسی گفته اینها ملاکند؟ وقتی مجله تاسیس می‌شود هدف آن چیست؟ چرا می‌خواهد سردبیر شود؟ استادی ظرف ۴ سال قریب به ۱۵ مقاله نوشته بود. سوال شد که چگونه توانسته؟ فهمیدیم چون معاون پژوهشی بوده، سر گردنه نشسته و هرکسی که بودجه‌ای چیزی می‌خواهد...! با این موارد که نمی‌توانیم از خیزش علمی بگوییم. وقتی ما حس می‌کنیم نیاز به مقاله داریم برای ارتقاییمان می‌رویم مجله درست می‌کنیم. اینکه خیزش نیست. ما باید تاثیرات مقالات و مجلات در مسائل جامعه را دنبال کنیم. ممکن است این مسئله به صنعت یا به فرهنگ مربوط شود. دوراقع سازمان‌ها و مراکز باید طرح مسئله کنند اما نمی‌کنند. در بحث خیزش باید تعریف داشته باشیم. ارزیابی‌هایمان اصولی باشد. مسائل کشور مطرح شود و به ازای این مسائل دانشجویان و دانشگاه طراحی کنند و نسبت به آن نظام آموزشی ایجاد کنند.

دانشگاهی که دانشجویان تشنه نباشد درتوسعه رشد ندارد

حسن بنیانیان، مشاور و دستیار امور فرهنگی رئیس دانشگاه آزاد:

اول باید بابت وجود رهبرمان شکر کنیم، وجود چنین رهبری که مهم‌ترین تاکیدات‌امان در مسئله علم است. این هم از برکت اسلام است که نشان می‌دهد ایشان مردمش را آگاه می‌خواهند و از شهوت دور و به دنبای انسانیت دارد کنند. اما چون ما به این مسائل عادت کردیم کمتر روی این موضوع تمرکز می‌کنیم. از اساتید می‌خواهیم این موضوع را مقاله کنند. مانند کسانی که در کنار دریا هستند قدر دریا را نمی‌دانند، دوراقع دژبر نخبگان علمی از طریق شبکه‌سازی و تشکیل تشکیلات منسجم فراگیر میسر و محقق می‌شود. من چهار مؤلفه را استحراج کردم. مؤلفه نخست، کارآمدسازی، شناسایی، رفع معایب، مسئولیت‌پذیری، اقلابیگری و مدیریت جهادی، فاسدستیزی و ولایت‌مداری است.

مؤلفه دوم کارسازی با شایسته‌سالاری و جوانگرایی، همچنین آموزش و تربیت و روزآمد سازی اطلاعات که در عصر اطلاعات اهمیت وجود دارد. مؤلفه سوم نظارت راهبردی و عملیاتی با رصد هوشمندانه، حمایت حکیمانه، نقد منصفانه و اقدام به‌هنگام است. مؤلفه چهارم هم پژوهش و مشاوره در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی، فرهنگی و هنری، اقتصادی و صنعتی، دیپلماسی رسمی فعال، دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای و عملی جنگ روانی، قدرت نرم، جنگ نرم، شناسایی ایده‌ها و نظرات سازنده و انعکاس آن به مسئولان الزامات جهادی سیزیای ناقوانی می‌کند باید حذف شود. من با صحبت‌های آقای دکتر مخالفم که گفتند از ۳۰ نفر، ۲۹ نفر برای ما دشمن‌اند. در سال‌های که تجربه‌ای دارم این مورد را ندیدیم. کافی است آن روح اعتمادبه‌نفس و انرژی را در دانشجوها تقویت کنیم.

پیشنهادهای من در حوزه سیاست‌گذاری، اعتماد به جوانان است. دوستان ما جنگ را با فرماندهان جوان سپری کردیم. مورد دیگر این است که دوره‌های ارتباط با صنعت با سرعتی بیشتری برگزار و بر عملکرد مراکز نظارت می‌شود. برای یک دیپلماسی علمی قوی باید پیگیری انجام شود. دیپلماسی علمی شامل برگزاری همایش‌های بین‌المللی است. تا زمانی که اصطلاحاً با اساتید دیگر دانشگاه‌های داخلی و خارجی چاپی نخوریم ارتباط خوب حفظ نمی‌شود. باید تبادل دانشجو بین اساتید و دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور شکل بگیرد. ازنظر رسانه‌های ارتباط‌جمعی متأسفانه عملکرد رسانه‌های حوزه علمی بسیار ضعیف شده است. تا وقتی کسی که در فضای مجازی یا یک اثر افراد کنار این توان‌ها آسیب می‌بینند. باز به دانشگاه پیشنهاد دارم. طرح من چه بود؟ دیوارهای صوتی که الان در خیابان‌های تهران می‌بینید. باز دانشگاه آزاد توجهی به این موضوع نکرد اما طرح را به شهرداری داد و اجرا کردند. سال گذشته طرح دیگری به مسئول ارتباط با صنعت بود دانشگاه آزاد تهران مرکزی ارائه دادم. ایشان نیز چند جلسه برگزار کردند اما در آخر حتی نامه‌ای صادر نکردند. بخش تصمیم‌ساز دولت کار خود را انجام داده است. بنیاد ملی نخبگان را تجدید و دانشگاه‌ها را به عنوان شتاب‌دهنده معرفی کرده است. دانشگاه‌ها به‌ویژه دانشگاه آزاد باید وظیفه خود را انجام دهد. دانشگاه امیرکبیر جدای از هزینه‌ای که به عنوان حق‌التدریس اساتید می‌پردازد؛ هریک از اساتید را عضو کمیته علمی کرده است و در آنجا از دانش، وقت و تجربه آنها استفاده می‌کند. کار این کمیته‌ها و شتاب‌دهندگی به فعالیت اساتید صاحب ایده‌های نوآورانه یا فناورانه و حمایت از آنهاست. طرح من به دانشگاه آزاد ارسال شد، پاسخ نداد. به دانشگاه امیرکبیر ارسال شد و آنها رسیدگی کردند. من به‌عنوان عضو هیئت‌علمی، به‌عنوان عضو کوچکی از خانواده بزرگ دانشگاه آزاد انتظار دارم برای اساتید شعلی ایجاد تکنیمی که فقط مقاله نظری بدهند. زمانی یک مقاله نظری ارزش‌افزوده پیدا می‌کند که تبدیل به محصول و اجرا شود و بتواند به اقتصاد کمک کند. مقاله می‌نویسم و در همه این کتابخانه‌های شخصی، کلاس‌ها و دفاتر دانشگاه مقاله‌ها را داریم اما کاربرد آنها ضعیف است. طرح جدیدی را که سال گذشته به دانشگاه داده و توجه نکردند برای دانشگاه هلند فرستادم برای من پذیرش فرستادند که بروم طرح را اجراکنم اما در دانشگاهی که عضو هیئت‌علمی آنم؛ پاسخ نامه مرا ندادند. تمنا می‌کنم این موضوع به این جلسه و گفت‌وشنود ختم نشود. این موضوعات را پیگیری کنیم. اساتید در دانشگاه آزاد دارای انرژی‌های بالقوه و بالفعلی‌اند که می‌توانند در پیشرفت مملکت کمک کنند. کمیته‌های مختلفی باید برای اساتید و دانشجویان تشکیل شوند که اساتید و دانشجویان مخترع با هدایت کنند. بخشی را نیز ایجاد کنیم تا افرادی که طرح و ایده‌ای دارند با هزینه دانشگاه بورسیه شوند و تحصیل کنند.

دغدغه استادان باید تنها دغدغه اغنای علمی خود باشد

سیدعباس علوی، مدیرگروه مدیریت و علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب:

با حدیث امام جعفر صادق(ع) صحبت را آغاز می‌کنم، فرمودند علم ۲۷ حرف دارد که دو حرف آن تا زمان ظهور امام عصر(عج) از طرف انبیا به مردم الهام می‌شود، پس علم ضرورت ندارد ولی علمی که در قالب یک چهارچوب و قوانین باشد. دکتر! این به خاطرهای از شهید طهرانی‌مقدم استناد می‌کنم زمانی که در اوج ناباوری مشغول ساخت و عزتمند کردن هرچه بیشتر ایران اسلامی بود جمله قشنگی در جمع دوستان خود گفت که در تلویزیون نیز پخش شد. ایشان می‌گفت هر چیزی از تکنولوژی و علم و ساختارهای علمی در جهان وجود دارد، به طور توصیه‌ای الهی باید به آن دست پیدا کنیم! اما ما چیزی داریم که از همه جلوترین و آن توفیق الهی است. اصل قضیه ما در حوزه علمی به باورها و اعتقادات و دین‌داری ما برمی‌گردد. اساتید ما درکنار این باید به دانشجویان به‌عنوان یک امانت نگاه کنند. دانشجویی که با هزاران انگیزه و روحیه وارد دانشگاه شده است. والدین آن را به من و شما به امانت سپرده است و انتظار دارد که از او لحاظ روحی، روانی و علمی ارتقا پیدا کنند. حداقلش این باشد که اگر ارتقا پیدا نکرد، افت نکند. به نظر من این یک امانت سنگینی در دست تک‌تک ماست. اصل علم‌آموزی و مهارت‌آموزی درکنار مدیریت و آزادگی است. شاید جریان هویت آزادگی اساتید و مواجهه با مشکلات و مسائل و نظام مسائل کشور است.

لطفاً یکی از اساتید عنوان پاسخ دهد؛ در این ۲۵ سال که از انقلاب اسلامی گذشته است، بنا بر این بود که حکمرانی امیرالمؤمنین الگوی ما باشد. اولین رساله و عنوانی که در این حوزه کارکرده و اجرایی و عملیاتی شده، کدام است؟ شاید بگوییم شأن و منزلت امیرالمؤمنین آنقدر بالاست که کسی جرئت ورود به این اقیانوس بزرگ را ندارد. حداقلش این است که اگر شعار می‌دهیم و پیرو راه اهل‌بیت(ع) هستیم، با بهانه‌های مختلف سیاسی حرکت کنیم که این موضوعاتی که در قالب دین و دینداری و براساس آموزه‌های دینی از اصول علمی بیان می‌شود، علم در آن نیست. نفی علم است. در دانشگاه طوق شناختی که از اساتید دارم، دغدغه اساتید و مدرسان نباید صرف موضوعات معیشتی و خدماتی باشد. چرا؟ سازمان‌های دیگر از لحاظ خدمات و تسهیلات بیشترین تسهیلات را برای همکاران خود مهیا می‌کنند. دانشگاه آزاد یک مجموعه خودگردان است اما درکنار این باید توجه داشته باشید که دغدغه اساتید تنها دغدغه اغنای علمی خود باشد. دغدغه آنها این باشد از لحاظ اعتباری و معنوی به مرحله‌ای برسند که علمی که بناست فردا راهگشا باشد، برای آنان حجاب نشود. هفته گذشته که در خدمت آقای رستمی، مسئول نهاد نمایندگی مقام‌معظم‌رهبری در دانشگاه‌ها بودیم جمله زیبایی گفت: عملاً دانشگاه‌ها در جمیع جنایاتی که در جهان اتفاق می‌افتد نقش دارد؛ دانشگاهی که متولی امر ساخت تسلیحات متخلف کشارتجعی است. علم یک شمشیر دولبه است و می‌توانیم بینندیلیه باید در اختیار کسانی باشد که تقوا به‌عنوان ابزار کنترل و مهار آنها باشد. امیدوارم دانشگاه آزاد در این سیر مسیری که دارد حتماً به بحث موضوعات اعتقادی، رفتاری، حوزه‌های روانشناسی و روان‌شناختی اساتید و همکاری خود همت بیشتری داشته باشد.

جهت دادن به تولید علم مقدمه خیزش علمی است

سهرابی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی:

چون موضوع فرمایشات مقام‌معظم‌رهبری درخصوص خیزش جدید علمی بود، فرمایشات ایشان مجموعه است، یعنی سیستماتیک است. در تمام صحبت‌هایی که انجام می‌دهند پلی در نظر دارند و در هر صحبتی که طرح می‌کنند یکی از آن اجزا را مطرح می‌کنند. فکر می‌کنم طرح را گوش کند که رهبر انقلاب در زمینه خیزش علمی صحبت کردند، سال ۱۳۸۴ بود. ۱۹ سال پیش بحث مرجعیت علمی را برای اولین‌بار در دیداری که با دانشجویان و اساتید دانشگاه امام صادق(ع) داشتند، مطرح و به سه رکن اصلی رسیدن دانشگاه به مرجعیت علمی اشاره کردند؛ اولین مورد تولید علم بود، دوم تربیت عالم و سوم جهت دادن به این تربیت و تولید و اشاره کردند اکثر دانشگاه‌های دیگر نقاط دنیا در اولین و دومین مورد تلاش می‌کنند، حتی در دانشگاه‌های ایران نیز این اتفاق می‌افتد اما آنجا که کار مشکل دارد در قسمت سوم، یعنی جهت دادن به تولید علم و تربیت عالم است. اگر این اتفاق رخ دهد، قطعاً به‌دنبال آن خیزش علمی نیز خواهیم داشت.

ایشان تأکید می‌کنند تمام ارکان و قسمت‌های دانشگاه، باید در راستای این سه رکن اصلی باشد، یعنی دانشجو، مدیر دانشگاه، استاد دانشگاه، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و روش‌ها و رویه‌ها، هرچیزی که طراحی می‌شود، باید در این سمت باشد تا آن خیزش علمی رخ دهد. کار پژوهش غیر از این نیست که قرار باشد به سرآمدی یا حل مسئله منجر شود. کار دانشگاه معمولاً تولید دانش است. این مفهوم را نیز باید روشن کنیم که منظور ما از علم، چه نوع علمی است. مانند همان مشکلی که با واژه توسعه و پیشرفت داریم؛ ما واژه پیشرفت را بیشتر می‌پسندیم. منظور ما از رشد، توسعه نیست که مدنظر برخی افراد است، بلکه تأکید ما پیشرفت است. اگر به‌صورت کلی به مجموعه فرمایشات حضرت آقا دقت کنیم، جایگاه این قطعات پازلی که هر بار مطرح می‌کنند و در ادامه آن مطلب قبل است، بارها مطرح کرده‌اند. سرعت ما کند است و به همین دلیل از واژه خیزش استفاده کرده‌اند. هواپیما می‌خواهد تیک‌آف کند. آرام‌آرام حرکت می‌کنیم اما در جاهایی مجبور می‌شویم به‌صورت عمودی حرکت کنیم که از عقب افتادگی سالیان قبل از انقلاب را نیز جبران کنیم. حرکات کند و دلخوش کردن به اعداد آی‌اس‌آی به نظر من لازم است اما کافی نیست. مرجعیت علم نیز وقتی است که دیگران به منابع ما مراجعه کنند و اگر می‌خواهند از مطالب روز دنیا مطلع شوند، به‌دنبال مقالات ما بیایند. در جلسه مرجعیت علمی نیز یک‌بار بحث شد که ما چرا باید با علم به مجلات بین‌المللی برویم و درخواست کنیم علم مقاله را- که ماحصل داده‌های اصلی کشورمان است- رایگان در اختیار آنان بگذاریم و بخواهند مقالات را رد کنند. مجلات ما باید قوی شده و آنان را بین‌المللی و به کشورهای دیگر وصل کنیم. ترکیبی که وزارت علوم عنوان کرده که از اساتید بین‌المللی نیز مطالبی در مجلات باشد که بتواند رتبه الف را کسب کند و به مراحلی برسد که جایگاهی پیدا کند. دکتر زارع گفت در بحث ناشونیمی مجله‌ای قوی داریم. خوشحال‌کننده است که در بحث ناشونیمی مجله‌ای‌اس‌آی‌ای و رتبه بالا داریم. بقیه مجلات نیز باید این‌گونه باشند، یعنی باید سردبیران و مدیرمسئولان- اگر کمکی نیاز است، از این جمع که همه دانشمندند کمک بخواهند- این ارتباطات را برقرار کنند و با بتوانیم مجلاتی داشته باشیم که اساتید کشورهای دیگر به مجله ما رفرنس دهند. ساینیشن دانشجوهای خودمان را زمانی که به مجلات فارسی ارجاع می‌دهند، استاد برمی‌گرداند و می‌گوید به مقاله انگلیسی رفرنس دهید. این باعث می‌شود دانلیم ساینیشن این مجلات بالا بروند و رتبه بگیرند. اعتبار علمی مجلات ما هم علی‌رغم اینکه واقعا ارتقاز علمی قوی‌اند، پایین بماند. توضیح آخر نیز این است به سمتی برویم که اگر قانونی هم تصویب می‌شود، به سمت تقویت علمی داخل کشور باشد. اگر آیین‌نامه‌ای برای ارتقا تصویب می‌شود این نیز در آن دیده شود و مجلات داخل کشور تقویت شود که آنها ۹۱ درصد دارند. در عضوی که مهم‌ترین اطلاعات داده است، نباید آنها را راحت در اختیار دیگران بگذاریم.

جایگاه هنر درخیزش جدید علمی

سیداسدالله طیب‌زاده، عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی:

یکی از راه‌حل‌های اصلی و اولیه خیزش علمی کیفی کردن وضعیت حال است. یعنی اساتید به هر ترتیبی از طریق کنترل، بازآموزی و شیوه‌های دیگری که مکانیزم آموزشی پیشنهاد می‌دهد، باید این کیفی کردن را مدنظرشان قرار دهیم و بهروزی دانشمندان را بالا ببریم. بخش دیگری که در نظر داشتم درمورد این بود که شاخص‌های این خیزشی که می‌گوییم چیست. آنچه که در حال حاضر نیاز می‌بینم این است که در این خیزش جایگاه هنر چیست. از تمام سیستم‌های اجرایی یعنی وزارتخانه‌ها و ارگان‌های اداره‌کننده حکمرانی و کلیه مراکز تجاری هیچ‌کدام فارغ از یک کارشناس هنر نیست درحالی‌که بین دشمندانی که در اینجا حضور دارند این دم‌دانم که هریک در رشته خود چقدر با هنر و با کاربرد آن در پیشرفت آشنایی دارند. به دلیل تأثیر بسیار شدیدی که هنر دارد، همه جوامع به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توانند آن هنر کاربردی را در هر قالب و جایگاهی به عنوان یک شاخص پیشرفت استفاده کنند. در شاخه علم نیز کمتر از آن نیست. برای نمونه در پاورپوینتی که شما می‌خواهید ایجاد کنید، اگر به جای اسلایدی که به صورت متعارف وجود دارد، اسلایدی متفاوت طراحی کنید، تأثیرگذارتر است. مثالی از عصری در خدمت هنر بزنم. مکتبی به نام مکتب امپرسیونیسم داشته‌ایم که مکتبی تأثیرگذار بود و جمعیتی در اواخر قرن نوزدهم هم بنیانگذاران آن بودند. وقتی به شاخه‌های علم و هنر رسانی خود می‌رسند، به شاخه مردودین معروف می‌شوند. یعنی این افراد را رد کرده‌اند. این نظریه با وجود اینکه در قرن بیست و یکم نیز الزگذاری می‌کند، در زمان خودش به دلیل اینکه برای مجامع علمی شاخص‌هایشان تعریف نشده بود، رد شدند و آثارشان در هیچ نمایشگاهی اجازه حضور نداشت؛ در حالی که بعد متوجه شدند چقدر اینها مؤثرند. شناخت الزگذاری و شاخص‌های علمی و محورهای تشخیص ضروری است.

دانشگاه آزاد بسترسازی خیزش علمی برای استادان را فراهم کند

اسلامی، عضو هیئت علمی واحد تهران جنوب:

بحث خیزش علمی که مقام‌معظم‌رهبری مطرح کردند به عقیده من مطرح می‌شود، دغدغه مهمی است که تمام همکاران من این دغدغه را دارند و هرکسی از دید و منظر خود این قضیه نگاه کرده است. دانشگاه آزاد اثر مثبتی را در جریان علم کشور می‌گذارد اما هنوز هم جای کار دارد و باید پیشرفت کند. به قول یکی از همکاران دانشگاه آزاد باید برای اساتید و دانشجویان بسترسازی مناسبی را انجام دهد. ارتباط اساتید باید با دولت و صنعت علی‌الخصوص در زمینه علوم انسانی برقرار شد. ما در علوم انسانی فقط یک مقاله نظری می‌نویسیم و ارائه می‌دهیم. فرض کنید مقالاتی که اساتید می‌نویسند چقدر می‌تواند کاربردی باشد. نکته‌ای که دکتر سهرابی گفت، ما باید مقالات ISI خود را تقویت کنیم.

از طرفی دانشگاه آزاد باید برای دانشجویان بسترسازی‌هایی انجام دهد و امید و انگیزه را در آن به وجود آورد. برای آنها جایزیری قرار دهد یا هزینه تحصیل را کم کند و از آن استفاده کند. هرچقدر دانشگاه آزاد برای علم هزینه کند و از دغدغه اساتید یا دانشجویان بکاهد، برای خود و جامعه خود سرمایه‌گذاری کرده است. فکر می‌کنم علاوه‌بر این می‌خواهم بسترسازی، یک برنامه مدونی درمورد نخبگان نیاز داریم. ما برای نخبگان، پس از اینکه دانشجو از واحد و دانشگاه فارغ‌التحصیل شد، چه برنامه‌ای داریم؟ من امیدوارم بیست‌وهشتمین مجمع و دوره خانه گفت‌وگو قدم اولی برای تشکیل جلسات و کمیته‌های مدون و تخصصی در این زمینه برای بالابردن و به اهتزاز درآوردن پرچم دانشگاه آزاد و کشور عزیزمان باشد.

برای خیزش علمی باید به استاد فرصت دهیم

عبدالرضا مظاهری، عضو هیئت علمی واحد تهران مرکزی:

بحث خیزش علمی که مقام‌معظم‌رهبری مطرح کردند به عقیده من برای علوم انسانی حائز اهمیت است. من در قسمت اول هم‌مانیم پیش‌بینی کنم. در سال آینده این موضوع علوم انسانی را فنی‌ها، نظامی‌ها و سیاسی‌ها مصادره می‌کنند. استادان برجسته علوم انسانی صاحب نظر و صاحب کتاب را هیچ وقت دعوت نمی‌کنیم و به دنبال آنان نمی‌رویم. چرا من پیش‌بینی می‌کنم در سال آینده تمام می‌شود؟ دکتر بنیانیان به خاطر دارند، زمانی پیوست فرهنگی مطرح شد و شورای انقلاب فرهنگی جلسه برگزار کرد و کرسی‌های نظریه‌پردازی برگزار کرد اما همه مغفول شدند. چرا؟ برای اینکه ما از افراد شایسته استفاده نمی‌کنیم. اداری‌های ما می‌خواهند کارهای علمی کنند. در اینجا نیز مشکل ما همین است! افراد اداری می‌خواهند کار علمی انجام دهند. باید چه‌کار کنیم؟ تمدن‌سازی درکنار فرهنگ است. این ظرفیت را ما باید در کشور ایجاد کنیم. برای مثال موضوع کرسی‌های نظریه‌پردازی را به رشاد، رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی داده‌اند. این فرد که خود حوزه‌ای است و دیدگاه دارد، اگر امداد حرکت کند باید به‌دنبال آن باید اساتید اهل علم امنیت داشته باشد. امنیت علمی داشته باشد. یعنی اگر من یک نظریه اینجا بدادم فردا برایم هزینه نداشته باشد. متأسفانه بعد و هنر زمان خود می‌رسند، باید راهکار بدهیم و درست کنیم. نقد مثل نیشتر می‌ماند. ما زخم در بدن داریم. این نیشتر را باید بر این زخم بزنیم و چرک آن را بیرون بیاوریم تا آن را اصلاح کنیم. ما جرئت نمی‌کنیم این نیشتر را بزنیم. من می‌خواهم این نیشتر را بزنم باید یکی که عمر است زحمت می‌کشیم و به جایی نمی‌رسیم.

بیینید مثال می‌زنم. در چند سال اخیر، کدام استاد ما در کشور فرصت مطالعاتی رفته است؟ نه فقط فرصت مطالعاتی، کدام استاد یک کنفرانس رفته است که ما هزینه آن را داده‌ایم؟ درحالی که من ۱۴ کنفرانس خارج از کشور رفته‌ام و یک فرانک نیز از جیب خود نداده‌ام. فرصت مطالعاتی رفته‌اند، دانشگاه هزینه داد. چرا اینها بسته شده است؟ اگر می‌خواهیم خیزش علمی باشد، باید به استاد فرصت دهیم. اینها را باید درست کنیم.

برخی می‌گویند در علوم انسانی از غرب عقبیم. نه‌خیر، ما در علوم انسانی از غرب جلوتریم. من مثال می‌زنم. ما چون نمی‌دانیم و اهل علم را نیاوردیم، الان خلاء حرفه‌ای برگزار می‌کنیم. اصلاً مسائل می‌دانید این خلاء حرفه‌ای چرا ایجاد شده است؟ برای اینکه در غرب دین را کنار گذاشته و وقتی دین کنار رفت، تجربه دینی جانشین دین شد، دیدند جامعه به بن‌بست رسیده است. آمدند بحث اخلاق را گفتند. بازهم چون مبنای اخلاق سکولار بود، به جایی نرسید. گفتند حرفه‌ای که دیرت مثلاً پزشکی اخلاق حرفه‌ای خود را داشته باش. اخلاق مهندسی خود را داشته باش. ما نیز آمده‌ایم کوپرکواتر ده‌ایم اخلاق حرفه‌ای برگزار می‌کنیم، نهاد ده‌ها اخلاق حرفه‌ای برگزار می‌کند. شما بیا همه اینها را اساسی درست کن؟ من مثال می‌زنم. شما ببینید برخی از شبهات در طول تاریخ تأثیرگذار بوده‌اند و درحال حاضر نیز هستند. زمانی که ابن‌سینا بحث علم نافع نظر را مطرح کرد، عالم میانی، پس از آن ابن‌رشد آمد و عالم نفس را حذف کرد و به ابن‌رشد لاتین معروف شد. یکی از زیربناهای رنسانس اروپا، همین دیدگاه ابن رشد لاتینی بود. بعد از آن کانت ابن عالم نفس را از وجود انسان حذف کرد. نتیجه آن چه شد؟ نتیجه آن این شد که روانشناسی جدید می‌گوید بحث روح نداریم؛ هرچه که هست از تراوشات ذهنی شماست. دیدند جوابگو نیست و روانشناسی اعماق را درست کردند؛ درحالی که اهل علم ما به این موضوعات جواب داده‌اند.

این کارهای علمی با یک جلسه و یک سال نمی‌شود. اگر می‌خواهید باید زیرساخت را بسازیم. استادها نمی‌آیند. استادهای اهل علم نمی‌آیند. ما اداری‌ها می‌آییم. ما اداری‌ها گوشمان به این است که رن